

نقش قرآن در کشف و اصلاح تصحیف در روایات

سید علی دلبری^۱

سید مهدی خدایی^۲

چکیده

بهره‌گیری از روایات منوط به زدودن آسیب‌های وارد بر آن است. یکی از این آسیب‌ها تصحیف است که موجب تغییر جزئی در الفاظ روایت و در نتیجه انحراف از معنای مقصود می‌شود. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی پس از معرفی اجمالی این آسیب و بیان اهمیت توجه به آن، به بیان روش‌های مختلف شناسایی روایات مصحّف پرداخته، پس از آن ضمن توجه دادن به تأثیر پذیری محتوایی و شکلی روایات از آیات قرآن، به ارائه دوروش جدید، مبتنی بر قرآن، در جهت شناسایی و اصلاح این دسته از روایات می‌پردازد.

کلمات کلیدی: تصحیف، آسیب شناسی فهم حدیث، عرضه روایات بر قرآن، تأثیر پذیری روایات از قرآن.

درآمد

احادیث به یادگار مانده از پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن، روایت‌گر اندیشه اسلامی و قانون الهی است؛ اما باید دانست که در طی سالیان، غبار تحریف و تصحیف، وضع و نقل به معنا بر چهره روایات نشست و این خود اسباب کژفهمی، نارسایی، اضطراب و ناسازگاری روایات را فراهم ساخته است. از این رو، یافتن جوهر معنا و گوهر مقصود منوط به برگرفتن این آسیب‌ها از دامان روایات است. یکی از آسیب‌های شایع در روایات تصحیف است. تصحیف موجب تغییری اندک در الفاظ حدیث شده که خود منشأ دگرگونی معنا و در نتیجه انحراف از مقصود می‌شود.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، گروه علوم قرآن و حدیث.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

از این رو، شناسایی و اصلاح تصحیف یکی از مهم‌ترین فنون و یکی از دغدغه‌های اصلی دانشمندان در همه حوزه‌های مربوط به حدیث بوده است. از دیرباز حدیث پژوهان در علم «درایة الحدیث»^۳ و «علل الحدیث» به بررسی این آفت پرداخته‌اند. برخی از دانشمندان نیز کتاب‌هایی مستقل در شناساندن تصحیفات صورت گرفته در روایات تألیف نموده‌اند.^۴

باید دانست که این فن شریف، مانند هر فن دیگر، ابزار و روش‌های خاصی دارد که بدون آگاهی و به کار بستن آن رسیدن به مقصود میسر نخواهد شد. از این رو، پژوهش در روش‌های تصحیف‌زدایی از روایات ضرورت می‌یابد. این نوشتار به منظور معرفی دوروش بدیع، با روی‌کردی قرآنی، در زدودن تصحیف از روایات سامان یافته است.

تصحیف در لغت و اصطلاح

«تصحیف» در لغت، به معنای خطا کردن در خواندن و نوشتن است؛ به گونه‌ای که معنا تغییر کند و موجب اشتباه شود.^۵ روایت «مصحف» در اصطلاح حدیث پژوهان روایتی است که قسمتی از سند یا متن آن به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته باشد.^۶ برخی تحریف و تصحیف در روایات را به یک معنا دانسته‌اند^۷ و برخی دیگر تفاوت‌هایی میان آنها به اعتبار قصد تغییر یا نوع آن قایل شده‌اند.^۸

اهمیت شناسایی تصحیف در روایات

در فرایند فهم روایت، پیش از هر چیز، رسیدن به متن اصلی و زلال روایت ضروری است. چه بسا که تغییری اندک در الفاظ روایت زمینه‌ساز سوء برداشت از آن و انحراف در عمل و عقیده می‌شود یا دست‌کم موجب دشواری فهم روایت گردد؛ برای نمونه زراعه از امام باقر^{علیه السلام} در باره مردی که نماز را در جایی که باید آهسته بخواند، بلند بخواند یا در جایی که باید بلند بخواند، آهسته بخواند، سؤال کرد: حضرت فرمود:

۳. از این عنوان، گاه به «مصطلح الحدیث»، «اصول الحدیث» و «قواعد الحدیث» یاد می‌شود («تأملی در عنوان درایة الحدیث»، ص ۵۵).

۴. از آن جمله می‌توان به کتاب تصحیفات المحدثین، اثر حسن بن عبد الله عسکری (م ۳۸۲ ق) اشاره نمود.

۵. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۸.

۶. الرعاية فی علم الدرایة، ص ۱۱۰.

۷. توضیح المقال فی علم الرجال، ص ۲۸۰.

۸. «تصحیف و تحریف»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۳۵۳.

أَيُّ ذَلِكَ فَعَلَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ نَقَضَ صَلَاتَهُ وَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ؛^۹

هر يك از اين دورا اگر روى عمد کرده باشد، نماز خود را شکسته [باطل کرده] است و بايد نمازش را دو باره بخواند.

در بعضی از نسخ به جای «نَقَضَ»، «نَقَصَ» آمده است که بنا بر نسخه معجمه، اعاده نماز واجب و بنا بر مهمله، مستحب است.^{۱۰}

بنا بر این، چنین تغییراتی در الفاظ روایات را نباید کم اهمیت دانست. این امر، به خصوص در باره تصحیف، اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ چرا که تصحیف در روایات یکی از شایع ترین آسیب ها به شمار می آید.^{۱۱} مجلسی رحمته الله علیه نیز در *لوامع صاحبقرانی* به ۱۳۲ مورد تصحیف در روایات اشاره می نماید.^{۱۲}

روش های شناسایی تصحیف در روایات

شناسایی تصحیف در متن روایات از فنون بسیار دقیق و حساس است که مثل هر فن دیگری نیازمند ابزار و روش های خاصی است. پژوهش هایی در آثار دانشمندان انجام شده و روش های مختلف ایشان در زدودن تصحیف از روایات گزارش شده^{۱۳} که در ادامه به اختصار به برخی از این روش ها اشاره می کنیم:

۱. عرضه حدیث به امام معصوم علیه السلام؛ البته این روش در عصر غیبت، اگر ناممکن نباشد، بسیار بعید است.

۲. مطابقت دادن و مقایسه نسخه های مختلف مربوط به یک کتاب؛

۳. مراجعه به اصول روایی و منابع دسته اول؛

۴. مراجعه به جوامع روایی ثانوی؛ با توجه با این که شارحان و صاحبان جوامع روایی ثانوی نسخه های متعدد و معتبری از جوامع اولیه را در اختیار داشته اند، می توان با مراجعه به این جوامع روایی و شروح حدیث تصحیف در روایات را کشف و اصلاح نمود.

۵. مقایسه و مطابقت روایات هم مضمون یا مشابه در ابواب گوناگون یک کتاب یا

۹. الاستبصار، ج ۱، ص ۳۱۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۶۲، ب ۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴۴؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۸۶، ب ۲۶.

۱۰. لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۵۳۶؛ ج ۴، ص ۲۴۶.

۱۱. الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۱۵۶؛ ج ۷، ص ۷۶.

۱۲. «مراحل و قواعد فقه الحدیث از دیدگاه مجلسی اول در لوامع صاحبقرانی»، ص ۱۳۴.

۱۳. رک: «آفت تصحیف در روایات و راه کارهای شناسایی آن»، ص ۱۶-۴۴.

کتب متعدد روایی آمده است.

در این تحقیق، راه کار دیگری برای شناسایی و اصلاح روایات مصحف ارائه می شود که تا به امروز کمتر به آن توجه شده است و آن بهره گیری از قرآن کریم است.

نقش قرآن در شناسایی و اصلاح تصحیف در متن روایات

اهل بیت علیهم السلام حاملان و وارثان کتاب خدا هستند و قلب مبارک ایشان ظرف همه معارف قرآن است؛ چنان که خداوند می فرماید:

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ».^{۱۴}

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا، لَا نُفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا؛^{۱۵}

خداوند ما را پاکیزه ساخت و عصمت بخشید و شاهدان بر خلقش قرار داد و ما را با قرآن و قرآن را با ما همراه ساخت. نه ما از قرآن جدا افتیم نه قرآن از ما جدایی گیرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز قرآن و اهل بیت علیهم السلام را دو نور جدایی ناپذیر خواند و فرمود:

إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي لَنْ يُفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ؛^{۱۶}

دو یادگار گرانقدر در میان شما باقی گذارم: کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام. این دو از یک دیگر جدا نشوند تا این که بر سر حوض بر من وارد آیند.

این روایات و مانند آن، حکایت از پیوند ناگسستنی اهل بیت علیهم السلام و قرآن کریم دارد و خبر از همتایی این دو گوهر گران بها می دهد.^{۱۷} به این ترتیب، هر آن چه از ناحیه مقدس اهل بیت علیهم السلام سرزند، پژواکی از حقایق و معارف نورانی قرآن است. فعل ایشان تفسیر قرآن و کلام ایشان تجلی گاه آیات الهی است. این تجلی، گاه تنها در مضمون و محتوای روایت است و گاه در الفاظ و عبارات روایت نیز نمایان می شود. این همخوانی محتوایی و

۱۴. سوره عنکبوت، آیه ۴۹.

۱۵. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

۱۶. تحف العقول، ص ۴۲۶.

۱۷. رک: «برابری قرآن و اهل بیت علیهم السلام»، ص ۱۱۲.

هم سازی ظاهری روایات با آیات کتاب خدا می تواند معیار و ملاکی در تصحیح متون حدیث و زدودن آن از تصحیف و دیگر آسیب ها قرار گیرد. در ادامه به تبیین دوروش بهره گیری از قرآن در شناسایی و اصلاح تصحیف در متن روایات خواهیم پرداخت که یکی برگرفته از شباهت محتوایی و دیگری شباهت شکلی و ظاهری روایات با قرآن کریم است.

۱. عرضه بر قرآن

چنان که گذشت، تجلی قرآن در کلام معصومان علیهم السلام گاه به صورت آشکار (مستقیم) و گاهی پنهان (غیر مستقیم) است. منظور از تأثیر پذیری پنهان، تبلور مضامین و معارف قرآنی در محتوای روایات است؛ بدون این که در ظاهر الفاظ، اثری از آیات الهی به چشم آید.^{۱۸} این همخوانی دقیق و تأثیر پذیری عمیق روایات از قرآن، در کنار استواری الفاظ و معانی و برکنار بودن آیات الهی از تحریف، موجب می شود که قرآن محور سنجش درست و نادرست در روایات قرار گیرد. بر اساس این معیار، موافقت و مخالفت با قرآن نشانه صدور یا عدم صدور روایت از معصوم علیه السلام است. این معیار در روایات مختلف، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ، فَهُوَ زُخْرُفٌ؛^{۱۹}

هر حدیثی که با قرآن موافق نبود، دروغی است خوش نما.

هم ایشان از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ، وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ؛^{۲۰}

ای مردم، هر کلامی که از من به شما رسید و با کتاب خدا موافق بود، از من است و آن چه با کتاب خدا مخالف بود، کلام من نیست.

همین ملاک می تواند معیار شناسایی و اصلاح تصحیفات موجود در متن روایات قرار گیرد.

توضیح، آن که گاهی تغییری اندک در لفظ موجب تغییر و دگرگونی معنا می شود و

۱۸. همان، ص ۹۵.

۱۹. الکافی، ج ۱، ص ۶۹.

۲۰. همان، ج ۱، ص ۶۹.

معنایی جدید حاصل می‌آید که به مانند روایتی جدید، در کنار متن اصیل آن خودنمایی می‌کند. بنا بر این، می‌توان معانی مختلفی را که به دلیل تصحیف در الفاظ روایت ایجاد شده است، به سان روایات مختلف (و گاه متعارض) به کتاب خدا عرضه نمود و چنان چه برای یکی از آن معانی شاهدی از قرآن یافت شد، لفظ حاکی از آن را به عنوان متن اصیل روایت پذیرفت. اینک به بیان دو نمونه از این کارکرد قرآن می‌پردازیم:

نمونه اول

در تحف العقول روایتی از امام باقر علیه السلام با این مضمون نقل شده است:

مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَقَدْ كَفَأَ، وَمَنْ أضعَفَ كَأَن شَكُورًا؛^{۲۱}

هر کس به اندازه‌ای که دیگری به او احسان کرده، احسان کند، جبران نموده است و اگر بیش از آن احسان کند، شکور است.

همین روایت را شیخ صدوق در معانی الاخبار به این صورت نقل نموده است:

مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَقَدْ كَفَأَ، وَمَنْ أضعَفَ كَأَن شَاكِرًا؛^{۲۲}

هر کس به اندازه‌ای که دیگری به او احسان کرده، احسان کند، جبران نموده است و اگر بیش از آن احسان کند، شاکر است.

روایت اول، کسی را که بیش از آن چه به او احسان کرده‌اند، جبران می‌کند، «شکور» خوانده و روایت دوم، او را «شاکر» نامیده است. اینک این دو معنا را بر قرآن کریم عرضه می‌کنیم. قرآن کریم در جایی که به بیان پاداش الهی در مقابل عمل بندگان می‌پردازد، خداوند را «شاکر» می‌نامد؛ به عنوان مثال می‌فرماید:

«إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ».^{۲۳}

اما هر جا به پاداش بیش از استحقاق اشاره دارد، کلمه «شکور» را به کار گرفته است؛ به عنوان مثال می‌فرماید:

۲۱. تحف العقول، ص ۲۹۲.

۲۲. معانی الأخبار، ص ۱۴۱.

۲۳. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

«لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ».^{۲۴}

و نیز می فرماید:

«ذَلِكَ الَّذِي يُبَيِّنُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».^{۲۵}

هم چنین می فرماید:

«إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ».^{۲۶}

با توجه به شواهدی که از قرآن کریم دست آمد، می توان ادعا نمود روایتی که در معانی الاخبار نقل شده، تصحیف شده است و نقل تحف العقول متن اصیل روایت است.

نمونه دوم

بخشی از دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه را سید بن طاووس در کتاب الاقبال بالاعمال الحسنه این گونه نقل کرده است:

فَابْتَدَعَتْ خَلْقِي مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي بِخَلْقِي.^{۲۷}

در چاپ قدیمی این کتاب، با نام اقبال الاعمال - که بدون تحقیق و تصحیح است - عبارت «تُشْهِدْنِي» در انتهای این بخش از دعا به سه صورت دیگر آمده است: «تُشْهِدْنِي»، «تُشْهِدْنِي»، «تُشْهِدْنِي»^{۲۸} به این ترتیب، از تصحیف یک واژه، چهار معنای مختلف ایجاد شده است که تنها یکی از آنها گفتار امام علیه السلام است. بررسی آیات قرآن نشان می دهد که همان نقل اول صحیح است؛ زیرا قرآن کریم می فرماید:

«مَا أَشْهَدُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ».^{۲۹}

بنا بر این، با یافتن شاهی از قرآن متن اصیل روایت از سایر نقل ها متمایز می شود.

۲۴. سوره فاطر، آیه ۳۰.

۲۵. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲۶. سوره تغابن، آیه ۱۷.

۲۷. الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه، ج ۲، ص ۷۴.

۲۸. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲۹. سوره کهف، آیه ۵۱.

نمونه سوم

راوندی در الدعوات دعایی را با این مضمون نقل می‌کند:

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطِيَ! حَوَّلْنَا مِمَّا تَكَرَّرُ اِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى؛^{۳۰}

ای بهترین درخواست شونده و ای بخشنده‌ترین عطاکننده، ما را از آن چه نمی‌پسندی، به آن چه تو دوست داری و می‌پسندی تغییر ده.

اما در بحار الأنوار به جای «مِمَّا تَكَرَّرُ» آمده است: «مِمَّا تَكَرَّرُ»؛^{۳۱} یعنی ما را از آن چه نمی‌پسندیم، به آن چه تو می‌پسندی تغییر ده. بنا بر این، با تغییر یک کلمه معنای عبارت تغییر نموده است. در این جا می‌توان با عرضه این دو معنا به قرآن نقل صحیح را شناخت. قرآن کریم می‌فرماید:

«عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ»؛^{۳۲}

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن که شر شما در آن است.

بر اساس این آیه، رضایت و کراهت بنده ملازمه‌ای با خیر و صلاح او ندارد. بنا بر این، دلیلی ندارد که در دعا تقاضای تغییر در آن مطرح شود. پس نقل اول صحیح است.

۲. تطبیق الفاظ روایات با آیات قرآن

گاهی افزون بر تجلی معارف قرآنی، در قالب روایات، نمایشی از جلوه‌گری آیات الهی، در صورت روایات نیز پدیدار می‌شود. این نمایش صوری آیات در روایات «تأثیر پذیری آشکار» یا «گزاره‌ای» نام دارد که به سه صورت تصریح، تلمیح (اشاره) و اقتباس (تضمین) به چشم می‌آید.^{۳۳} در هر یک از این موارد می‌توان با معیار قرار دادن آیات الهی به اصلاح متون روایی پرداخت.

اول. تصریح

تصریح آن است که به صورت آشکار آیه‌ای از قرآن در روایت بیان شود و تصریح شود

۳۰. الدعوات، ص ۱۶۱.

۳۱. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۳۴۴.

۳۲. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۳۳. «اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان علیهم‌السلام»، ص ۹۶.

که این کلام خداوند در قرآن است؛^{۳۴} مانند این بند از زیارت امام حسین علیه السلام که از سوی امام صادق علیه السلام در الکافی نقل شده است:

فَاتَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَكَاتَيْنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا صَعَفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»^{۳۵} و...^{۳۶}

بی تردید، در این گونه موارد باید متن روایت با قرآن تطبیق کامل داشته باشد. بنا بر این، اگر اختلافی با آیات قرآن به چشم آید، باید اصلاح شود. بر این مبنا، برخی از مصححان کتب روایی، هر چند در هیچ نسخه ای از آن کتاب، عبارت قرآنی صحیح را نیافته باشند، اقدام به اصلاح متن روایت نموده و در پی نوشتن این تغییر را متذکر شده اند.^{۳۷} دیگران به نحوی به توجیه این اختلاف پرداخته اند؛ مثل این که احتمال داده اند آیه نقل به معنا شده باشد یا این که در قرآنی که نزد ائمه علیهم السلام بوده، آیه به این صورت آمده باشد.^{۳۸}

نمونه

کلینی در باب عقل و جهل الکافی روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند. در بخشی از این روایت، امام علیه السلام در مذمت «کثیر» و مدح «قلیل» با استشهاد به آیاتی از قرآن می فرماید:

وَقَالَ: «وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»^{۳۹} وَقَالَ: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^{۴۰} وَ قَالَ: «وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^{۴۱} وَقَالَ: «وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^{۴۲}.

ولی این عبارت اخیر به این شکل در قرآن کریم وجود ندارد. آن چه در قرآن بیان شده، این آیه شریفه است: «أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ»^{۴۳}. می توان گفت این عبارت در نتیجه خطای

۳۴. همان، ص ۹۶.

۳۵. سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۳۶. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۴.

۳۷. به عنوان نمونه، موسسه دارالحدیث متن اصول الکافی را با چنین اصلاحاتی به چاپ رسانده است. نک:

ج ۱ ص ۳۲؛ ج ۱ ص ۳۳؛ ج ۱ ص ۴۶۹؛ ج ۱ ص ۴۸۰.

۳۸. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول علیه السلام، ج ۱ ص ۵۰.

۳۹. سوره هود، آیه ۴۰.

۴۰. سوره الأنعام، آیه ۳۸.

۴۱. سوره المائدة، آیه ۱۰۳.

۴۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۵.

۴۳. سوره نمل، آیه ۷۳.

سمع تصحیف شده است. در همین روایت شریف، آیه دیگری از قرآن نقل شده که می‌فرماید: «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^{۴۴} با این تفاوت که بخش پایانی آیه، به صورت «لا يعلمون» نقل شده و این تصحیف آشکار در روایت است که با مراجعه به قرآن قابل اصلاح است.

دوم. اقتباس

گونه‌ای دیگر از تجلی قرآن در روایات مصومان عليه السلام به شیوه «اقتباس» است. اقتباس یا تضمین، آن است که گوینده بخشی از کلام شخص دیگری را در کلام خود بیاورد.^{۴۵} در روایات اقتباس از قرآن فراوان به چشم می‌آید. اقتباس آیات الهی در روایات خود به دو صورت است:

یکم. اقتباس صریح

اقتباس صریح آن است که امام عليه السلام عبارتی قرآنی را با همان ساختار و الفاظ، بدون تغییر یا با اندک تغییری در سخن خود می‌آورند؛^{۴۶} مثل این دعای امام سجاد عليه السلام:

اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّائِعِينَ هُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ.^{۴۷}

که در آن، آیه دهم سوره حشر تضمین شده که می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...»^{۴۸}

دوم. اقتباس اشاری

در این گونه از اقتباس، عبارتی قرآنی، با تغییر در لفظ یا ترکیب در کلام آورده شده؛^{۴۹} به گونه‌ای که ذهن هر شنونده آشنا به آیات قرآن را به آن عبارت قرآنی سوق می‌دهد؛ به عنوان مثال، امام سجاد عليه السلام در دعایی می‌فرماید:

۴۴. سوره عنکبوت، آیه ۶۳.

۴۵. المعجم المنصل فی علوم البلاغه، ص ۱۹۶.

۴۶. «اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان»، ص ۹۷.

۴۷. الصحیفة السجادية، ص ۴۲.

۴۸. سوره حشر، آیه ۱۰.

۴۹. «اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان عليه السلام»، ص ۹۷.

اللَّهُمَّ وَحَمَلُهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ، وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ.^{۵۰}

جای هیچ تردیدی نیست که این بیان ناظر به سه آیه از قرآن کریم در وصف ملائکه است:

اول. «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ».^{۵۱}

دوم. «...يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ».^{۵۲}

و آیه سوم. «...وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ».^{۵۳}

در همه اشکال یاد شده، از تجلی آشکار قرآن در روایات با مقایسه الفاظ روایت با آیه مورد نظر می‌توان به تصحیف احتمالی الفاظ پی‌برد و متناسب با الفاظ آیه، آن را اصلاح کرد و به متن اصیل روایت دست یافت. در ادامه به نمونه‌هایی از هر مورد اشاره می‌کنیم:

نمونه اول

شیخ طوسی در نسخه‌ای از تهذیب الاحکام، دستوری برای نماز حاجت نقل می‌کند. در دعای بعد از این نماز آمده است:

فَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَنُسِفَتْ، وَوَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَانْشَقَّتْ، وَ عَلَى النُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ، وَ عَلَى الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ.^{۵۴}

برای شنونده جای تردید نیست که این عبارات از قرآن کریم اقتباس شده است. بخش آغازین، ناظر به این آیه از قرآن کریم است: «وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ»^{۵۵} و عبارت بعدی به این آیه نظر دارد: «إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ»^{۵۶} و عبارت اخیر نیز به این آیه شباهت دارد: «وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ».^{۵۷}

بنا بر این، می‌توان انتظار داشت که عبارت سوم نیز برگرفته از آیات قرآن باشد؛ چنان که

۵۰. الصحیفة السجادیة، ص ۳۶.

۵۱. سوره انبیاء، آیه ۲۰.

۵۲. سوره فصلت، آیه ۳۸.

۵۳. سوره انبیاء، آیه ۱۹.

۵۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۸۳.

۵۵. سوره مرسلات، آیه ۱۰.

۵۶. سوره انشقاق، آیه ۱.

۵۷. سوره غاشیه، آیه ۲۰.

می فرماید: «وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ»؛^{۵۸} اما در روایت، به جای عبارت «فَانْتَشَرَتْ»، آمده است: «فَانْتَشَرَتْ» که به نظر می رسد تصحیفی در آن واقع شده باشد. همین بخش، در من لا یحضره الفقیه به این صورت نقل شده است:

فَأَسْأَلُكَ يَا سَمِيكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَنُيَسَفَتُ وَوَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَانشَقَّتْ وَ
عَلَى النَّجْمِ فَانْتَشَرَتْ وَ عَلَى الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ.^{۵۹}

به این ترتیب، به وسیله قرینه ای قرآنی به تصحیف در متن روایت پی برده و آن را اصلاح نمودیم.

نمونه دوم

سید ابن طاووس در کتاب التحصین بخشی از حدیث غدیر را به این صورت نقل نموده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ.^{۶۰}

تردید نیست که رسول خدا ﷺ در این کلام، نظر به آیه هفتم سوره آل عمران داشته اند:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ».^{۶۱}

از آن جا که آیه می فرماید: «فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ»، این گونه به نظر می رسد که عبارت «لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ» در روایت دچار تصحیف شده باشد و عبارت درست «لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ» باشد. همین عبارت را سید بن طاووس در کتاب الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام یا مِرَّةَ الْمُؤْمِنِينَ به این صورت نقل نموده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا فِي مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ.^{۶۲}

۵۸. سوره انفطار، آیه ۲.

۵۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۵۷.

۶۰. التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، ص ۵۸۳.

۶۱. سوره آل عمران، آیه ۷.

۶۲. الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام یا مِرَّةَ الْمُؤْمِنِينَ، ص ۳۵۱.

بنا بر این، با قرینه‌ای که از قرآن به دست آمد، می‌توان به طور قطع، عبارت اول را تصحیف شده دانست.

نمونه سوم

در کتاب العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة بخشی از حدیث شریف غدیر به این صورت عنوان شده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَرِثَةً، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ وُلِدَ، أَوْ شَهِدَ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَشْهَدْ يُبَلِّغُ الْحَاضِرِ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدِ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا، فَعِنْدَهَا يَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهُ التَّقْلَانِ مَنْ يَفْرُغُ، وَ يُرْسَلُ عَلَيْكُمْ سُورَاطٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.^{۶۳}

بخش پایانی روایت اقتباس صریح از آیه ۳۵ سوره الرحمن است:

«يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا سُورَاطٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ».^{۶۴}

اما ضمیر در «علیکما» به «کم» تبدیل شده است. می‌توان به تصحیف این ضمیر حکم کرد. جست و جو در سایر منابع نیز این مطلب را تأیید می‌کند.^{۶۵}

در بخشی دیگری از حدیث غدیر به نقل صدوق علیه السلام آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مَقْنُوطَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلَا مَحْلُوقٌ مِنْ نِعْمَتِهِ.^{۶۶}

همین عبارت را فیض علیه السلام به این صورت نقل کرده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مَقْنُوطَ فِي رَحْمَتِهِ»^{۶۷} که به جای حرف «من» حرف «فی» آورده شده است. روشن است که این عبارت اشاره دارد به این آیه شریفه:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».^{۶۸}

با توجه به این آیه شریفه می‌توان گفت که نقل وافی دچار تصحیف شده است.

۶۳. العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، ص ۱۷۶.

۶۴. سوره الرحمن، آیه ۳۵.

۶۵. رک: روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۲.

۶۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۴.

۶۷. الوافی، ج ۹، ص ۱۳۲.

۶۸. سوره زمر، آیه ۵۳.

نمونه چهارم

بخشی از دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه در کتاب *زاد المعاد* به این صورت نقل شده است:

رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَحَسَّنْتَ صُورَتِي.^{۶۹}

این عبارت، در دیگر منابع، به صورت «رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي»^{۷۰} نیز نقل شده است. این عبارت، به روشنی اقتباسی از این آیه شریفه است:

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ».^{۷۱}

بنا بر این، عبارت «فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي» با آیه هماهنگ است.

نمونه پنجم

برقی در *المحاسن* از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا وُضِعَ الطَّعَامُ بَيْنَ يَدَيْهِ، قَالَ: اللَّهُمَّ! هَذَا مِنْ مَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَعَطَايَاكَ، فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَسَوِّغْنَا، وَارْزُقْنَا خَلْفًا إِذَا أَكَلْنَاهُ، وَرَبِّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رُزْقَتْ وَأَحْسَنْتَ، اللَّهُمَّ! اجْعَلْنَا لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَإِذَا رُفِعَ الْجَوَانُ، قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ أَوْ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا.^{۷۲}

برقی عبارت پایانی روایت را به نحو تردید، به دو صورت نقل می کند؛ در حالی که بخش پایانی این دعا بی تردید برگرفته از قرآن کریم است که می فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^{۷۳}

مجلسی، با استناد به این آیه شریفه، عبارت «مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا» را درست تر دانسته است.^{۷۴}

۶۹. *زاد المعاد*، ص ۷۶۱.

۷۰. *البلد الامین والدرع الحصین*، ص ۲۵۳؛ *الإقبال بالأعمال الحسنة*، ج ۲، ص ۷۹.

۷۱. سوره تغابن، آیه ۳.

۷۲. *المحاسن*، ج ۲، ص ۳۳۴.

۷۳. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۷۴. *بحار الأنوار*، ج ۶۳، ص ۳۷۳.

سوم. تلمیح

گونه دیگری از جلوه آیات الهی در روایات «تلمیح» است. تلمیح آن است که در فحوای کلام به شعریا مثل یا قصه مشهوری اشاره شود؛ بدون آن که اصل آن ذکر شود.^{۷۵} در روایات نیز گاهی به مطلبی مشهور از قرآن اشاره شده است؛ مانند این روایت از رسول خدا ﷺ که فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ»^{۷۶} که اشاره دارد به بخشی از حکایت بنی اسرائیل در قرآن که می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَعْفُزُكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَتْرِيذُ الْمُحْسِنِينَ﴾.^{۷۷}

در این گونه موارد نیز گاهی می‌توان با ملاحظه الفاظ و انطباق آن با آیات قرآن به اصلاح روایت تصحیف شده پرداخت. البته استفاده از قرآن در رفع تصحیف در روایت، در این مورد، نسبت به دو گونه یاد شده دیگر بسیار اندک است. اینک به گزارش نمونه‌ای در به کارگیری این روش می‌پردازیم:

عیاشی در تفسیرش از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمود:

يُحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِأَعْمَالِ آبَائِهِمْ كَمَا حَفِظَ اللَّهُ الْعُلَامِينَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمَا.^{۷۸}

همین روایت را مجلسی در بحار الأنوار از تفسیر العیاشی به این صورت نقل می‌نماید:

يُحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ كَمَا حَفِظَ اللَّهُ الْعُلَامِينَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمَا.^{۷۹}

در نقل مجلسی به جای «بأعمال آبائهم» آمده است: «بصالح آبائهم» و نیز به جای «أبائهم» آمده است: «أبویهم». اختلاف اول ناشی از نقل به معنا، و اختلاف دوم ناشی از تصحیف است. هر دو آسیب را می‌توان با استفاده از قرآن اصلاح نمود. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا الْحِدَاظُ فَكَانَ لِعُلَامِينَ يَتِيمِينَ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنُزُهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾

۷۵. المعجم المفصل فی علوم البلاغه، ص ۴۲۲.

۷۶. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۲۵.

۷۷. سوره بقره، آیه ۵۸.

۷۸. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۳۸.

۷۹. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۳۶.

چنان که آشکار است، اولاً در قرآن کریم تنها به شایستگی پدر ایشان، نه ابویین اشاره شده است. بنا بر این، نقل اول از این لحاظ به واقع نزدیک تر است. ثانیاً در آیه شریفه سخن از صلاح پدر، نه اعمال استو بنا بر این، از این لحاظ، نقل دوم بر نقل اول ترجیح دارد.

نتیجه

۱. تصحیف یکی از آسیب‌های شایع در متن و سند روایات است و بهره‌گیری صحیح از روایات منوط به شناسایی و برطرف نمودن این آسیب است.
۲. روش‌های مختلفی برای زدودن تصحیف از دامان روایات وجود دارد؛ مانند: مقابله نسخه‌های مختلف یک کتاب، مراجعه به اصول روایی اولیه، مقایسه روایات هم‌مضمون در کتب مختلف و مراجعه به شروح و جوامع ثانویه روایی.
۳. اهل بیت علیهم‌السلام همتای قرآن و ظرف همه معارف قرآنی و قرآن ناطق هستند. به همین دلیل، روایات که - حکایت‌گر کلام نورانی ایشان است - از نظر محتوا و مضمون هم‌آهنگ با معارف و روح قرآن است. این تأثیر‌پذیری روایات از قرآن «تأثیر‌پذیری پنهان» نامیده می‌شود.
۴. هماهنگی مضمونی روایات با قرآن، در کنار اعتقاد به عدم تحریف قرآن، ملاک و معیاری در شناخت احادیث صادره از معصومان علیهم‌السلام به دست می‌دهد و آن عرضه روایات بر قرآن است. در این روش موافقت و مخالفت با آیات قرآن ملاک پذیرش یا رد روایت است.
۵. گاهی تصحیف در حدیث موجب ایجاد معانی مختلف در آن می‌شود. با توجه به هم‌مضمونی روایات با آیات قرآن، می‌توان با عرضه همه معانی ایجاد شده در اثر تصحیف به کتاب خدا، معنای صادر شده از اهل بیت علیهم‌السلام را شناخت و لفظ حاکی از آن معنا را به عنوان متن اصیل روایت دانست.
۶. تجلی آیات قرآن در روایات معصومان علیهم‌السلام تنها در محتوا خلاصه نمی‌شود، بلکه در موارد بسیار الفاظ روایت نیز از قرآن کریم تأثیر می‌پذیرد که به آن «تأثیر‌پذیری آشکار» یا

«گزاره ای» گویند.

۷. تاثیر پذیری آشکار روایات از کتاب الهی به سه صورت است: تصریح، اقتباس و تلمیح. در این موارد نیز می توان با مقایسه الفاظ روایت با آن آیات قرآن، حدیث مصحف را شناخت و مطابق با الفاظ آیه آن را اصلاح نمود.

کتابنامه

- الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد: نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
- الاستبصار، محمد بن حسن طوسی، تصحیح: سید حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۳ش.
- إقبال الأعمال، علی بن موسی بن طاووس، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۴۰۹ق.
- الإقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، علی بن موسی بن طاووس، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۶ش.
- الأمالی، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- آسیب شناسی فهم حدیث، سید علی دلبری، مشهد: پژوهشگاه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اول، ۱۳۹۱ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- البلد الأمين والدرع الحصین، ابراهیم بن علی کفعمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ق.
- التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، علی بن موسی بن طاووس، قم: مؤسسة دار الکتب، اول، ۱۴۱۳ق.
- تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، حسن بن علی بن شعبه حرانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
- تصحیفات المحدثین، حسن بن عبد الله عسکری، قاهرة: المطبعة العربیة الحدیثة، ۱۴۰۲ق.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: المطبعة العلمیة، اول، ۱۳۸۰ق.
- توضیح المقال فی علم الرجال، علی کنی، تحقیق: محمد حسین مولوی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۱ق.

- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بحرانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۵ق.
- الرعاية فی علم الدرايه، زين الدين عاملی (شهيد ثانی)، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- روضة الواعظین وبصيرة المتعظین، محمد بن احمد فتال نیشابوری، قم: انتشارات رضی، اول، ۱۳۷۵ش.
- زاد المعاد - مفتاح الجنان، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۲۳ق.
- الصحیفة السجادية، علی بن حسین عليه السلام، قم: دفتر نشر الهادی، اول، ۱۳۷۶ش.
- العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، رضی الدین علی بن یوسف حلّی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، قم: دارالحديث، اول، ۱۴۲۹ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقيه، محمد تقی مجلسی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع البحرين، فخر الدین طریحی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۴۰۴ق.
- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسة فقه الشيعة، اول، ۱۴۱۱ق.
- معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۳ق.
- المعجم المفصل فی علوم البلاغه، انعام فوال عکاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، دوم، ۱۴۱۷ق.
- من لا یحضره الفقيه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی